

DOI: 10.30495/jss.2021.1938652.1373

**Research Paper**

## **Sociological Explanation of Law-Aversion and Affecting Factors on it (case study of Tehran Students)**

**Amene Sedighian Bidgoli**

*Assistant Professor, Institute of Social and cultural Studies, Ministry of Science, Research and Technology (Corresponding Author). E- mail: sedighian@iscs.ac.ir*

Law evasion is definitely an issue that needs serious investigation, regardless of its incidence and appearance in student attitudes and behaviors. This study seeks to determine the extent of law-aversion among the study population and what sociological factors are related to it. So, by using the survey method and a questionnaire, in a sample of 400 students of the universities of the Ministry of Science in Tehran, the research problem has been investigated. The findings showed that, the rate of law-aversion among Tehran students is medium to low, While the average of the indicators of total religiosity, the feeling of relative deprivation, and the feeling of inequality indicate an above-average level of these indicators among students. The results indicated that, the relationship between the index of total religiosity and all its dimensions with law-aversion is relatively weak and inverse. Regarding the variable of relative deprivation, relationships are significant only in the individual dimension of deprivation and law-aversion. The increase in the individual dimension of the feeling of relative deprivation is in line with the increase in law-aversion among students, and the relationship between feelings of inequality and law-aversion has not been significant. Finally, in the case of contextual variables, educational attainment, and younger ages were more vulnerable.

### ***Conflict of interest:***

ACCORDING TO THE AUTHOR, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

**Key words:** *Law-Aversion, Religiosity, Inequality, Deprivation, University Students.*

## تبیین جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه دانشجویان تهرانی)

آمنه صدیقیان بیدگلی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۹/۲۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۶/۲

### چکیده

قانون‌گریزی فارغ از میزان بروز و ظهور آن در نگرش‌ها و رفتارهای دانشجویی، قطعاً موضوعی است که نیازمند بررسی جدی است. این پژوهش به دنبال این است که میزان قانون‌گریزی در بین جمعیت مورد مطالعه چقدر است و چه عوامل جامعه‌شناختی با قانون‌گریزی رابطه دارند. پس با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه در نمونه‌ای ۴۰۰ نفره از دانشجویان دانشگاه‌های وزارت علوم در تهران، به بررسی مسئله پژوهش پرداخته است. یافته‌ها نشان داد میزان قانون‌گریزی در میان دانشجویان تهران در حد متوسط رو به پایین بوده است. در حالی که میانگین شاخص‌های کل دین‌داری، احساس محرومیت نسبی و احساس نابرابری نشان دهنده سطح متوسط رو به بالای این شاخص‌ها در میان دانشجویان هستند. نتایج نشان داد که رابطه شاخص کل دین‌داری و تمام ابعادش با قانون‌گریزی نسبتاً ضعیف و معکوس می‌باشد؛ یعنی با افزایش میزان دین‌داری دانشجویان، میزان قانون‌گریزی آن‌ها کاهش می‌یابد. در مورد متغیر احساس محرومیت نسبی، روابط تنها در بعد فردی احساس محرومیت و قانون‌گریزی معنی‌دار است؛ افزایش بعد فردی احساس محرومیت نسبی همسو با افزایش قانون‌گریزی در میان دانشجویان است و این که ارتباط بین احساس نابرابری و قانون‌گریزی، معنی‌دار نبوده است. نهایتاً در مورد متغیرهای زمینه‌ای نیز، مقاطع تحصیلی و سنین پایین‌تر در معرض آسیب‌پذیری بیشتری قرار داشته‌اند.

واژگان کلیدی: قانون‌گریزی، دین‌داری، احساس نابرابری، احساس محرومیت نسبی، دانشجویان.

۱. استادیار مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (نویسنده مسئول).

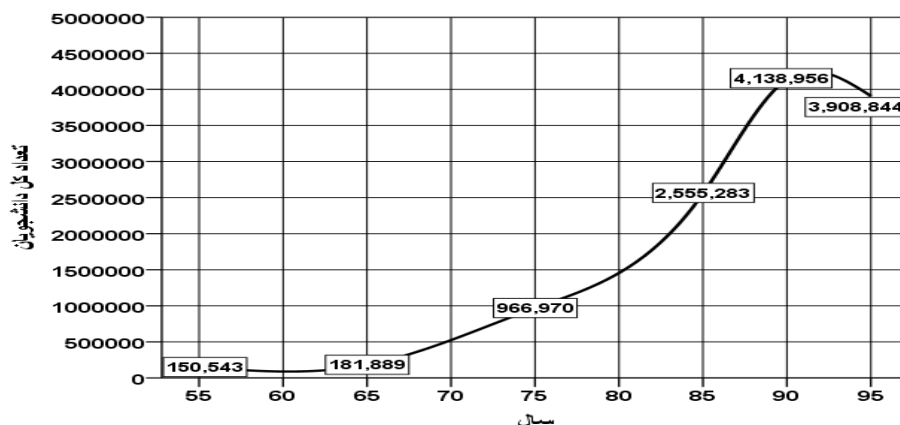
**مقدمه**

در حال حاضر، موضوع دانشگاه و دانشجویان به لحاظ سهم آن در تولید علمی، توسعه انسانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت بسیاری یافته است و سرمایه‌گذاری‌ها در این زمینه‌ها در قالب‌های گوناگون سیاست‌گذاری دنبال شده است. تربیت نیروی انسانی متخصص و زبده از اهداف دانشگاه‌ها بوده تا بتوانند به توسعه ملی شتاب و پویایی بیشتری ببخشند. این موارد از یک سو و ضربه‌ای که مسائل اجتماعی بر بدنه این امر وارد آورده از سوی دیگر. طبعاً در هر سیستمی، کژکارکردها و هدر رفت‌های مترتب بر عملکردهای سیستماتیک مجموعه می‌تواند منجر به ناتوانی در برآورده ساختن اهداف ذاتی و تعیین‌شده آن سیستم گردد. حساسیت نسبت به نهاد دانشگاه در کشوری که برای حدود یک سده از آموزش عالی برخوردار بوده طبیعی و منطقی به نظر می‌رسد.

حال، در میان مسائل گریبانگیر دانشگاه‌ها، مسائل اجتماعی و فرهنگی مانند قانون‌گریزی حائز اهمیت بسیار هستند و توسعه بدون توجه به این مسائل نمی‌تواند توسعه‌ای متوازن باشد (۴۲). بررسی علل و عوامل مرتبط با قانون‌گریزی و شیوع این مسئله در میان دانشجویان شهر تهران، هدف اصلی این پژوهش است و همان‌طور که معیدفر (۲۰۰۷)، ذکر می‌کند دانشجویان گروه مرجع و تأثیرگذار هستند و از همین روی، این مسئله در هر وجه و میزانی از آن در میان این قشر قابل توجیه و پذیرفته نیست.

این مقاله در راستای اهداف مرتبط با دانشگاه‌پژوهی انجام می‌شود و یکی از مؤلفه‌های مهم دانشگاه-پژوهی نیز توجه به دانشجویان دانشگاه‌ها در قالب پژوهش‌های کاربردی می‌باشد (۱). پیش از مطرح نمودن فراگیری مسئله قانون‌گریزی و اهمیت آن در جمعیت دانشجویی باید توجه نمود که این مسئله «دقیقاً» در چه بستر دموگرافیکی رخ می‌دهد؛ به طور خلاصه آمارها نشان می‌دهد سهم جوانان و دانشجویان از جمعیت ایران طی دهه‌های اخیر افزایش چشمگیری یافته است، به طوری که با توجه به نمودار شماره (۱) سهم جمعیت ۲۴-۱۵ ساله تقریباً از اوایل دهه ۱۳۶۰ افزایش یافته و در دهه ۱۳۹۰ به نزدیک ۶۰٪ رسیده است. هم‌چنین، تعداد کل دانشجویان از حدود ۱۵۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به حدود ۴ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است که بیشترین آن مربوط به دوره‌های فوق لیسانس و دکترای تخصصی هستند (۵: ۲۴۵).

بنابراین، با چنین وضعیت کمی دانشجویان، می‌توان به احتمال بالای تأثیرگذاری اجتماعی آن‌ها اشاره داشت و در چنین شرایطی، وضعیت مسئله‌ای مانند قانون‌گریزی در میان آن‌ها به مراتب بیش از پیش اهمیت می‌یابد.



نمودار شماره (۱): تعداد کل دانشجویان در ایران (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

منبع: (نقش کلیک<sup>۱</sup>، ۱۳۹۶)

حال، با توجه به محدودیت منابع (۲۸: ۱۸۶)، و وجود طیفی از تحقیقات در مورد مسائل اجتماعی (۶)، لازم است اهمیت مسئله قانون‌گزینی در جمعیت دانشجویی مشخص گردد. قانون‌گزینی در اسناد بالادستی یکی از حوزه‌های مهم ارزیابی وضعیت جوانان تلقی می‌گردد (۱۷)، و بر این اساس، لازم است تصویر درستی از این مسئله در سطح کلان وجود داشته باشد.

با این حال، در پژوهشی که با محوریت اولویت‌بندی مسائل اجتماعی انجام شده است (۳۴)، این نتیجه حاصل شد که قانون‌گزینی در دیدگاه نخبگان و بر ساخت عمومی مردم مهم شمرده شده است. این مسئله در مطالعات کلان و ملی نیز به گونه شایسته‌ای سنجیده نشده است. در عموم طرح‌های مهم ملی، میزان پنداشت از وجود خصلت قانون‌گرایی در میان دیگر اعضای جامعه سنجیده شده است اما مشخصاً این سنجها بسیار محدود و صرفاً به پنداشت اعضای جامعه از مفهوم کلی قانون‌گرایی در سطح جامعه اشاره دارند و در واقع به معنی سنجیدن این مسئله نمی‌باشند (۲۶) و (۲۳) و (۲۴). طرح‌های مهم دیگر نیز سنجشی سطحی از این متغیر در سطح ملی ارائه کرده‌اند، برای مثال طرح ملی نگرش‌ها و رفتار دانشجویان (۲۰۱۵)، تنها با دو سؤال به سنجش قانون‌گرایی دانشجویان پرداخته است؛ هم‌چنین، در طرح ملی سنجش سیمای زندگی دانشجویان (۲۰۱۵)، هیچ اشاره‌ای به این مهم نگردیده است.

در باب اهمیت قانون به خودی خود باید اشاره داشت که از حدود یک قرن و نیم پیش و از زمان قائم مقام فراهانی و بعدها در جنبش مشروطیت، تثبیت پایه‌های قانون و قانون‌مداری جزء اهداف اصلی روشنفکران و فعالان ایرانی بوده است، هر چند به اهداف ایده‌آل خود دست نیافته است و دلایل بسیاری برای آن وجود داشته است. از جمله، ساخت اجتماعی به گونه‌ای است که هم چنان روابط خویشاوندی،

<sup>۱</sup>. <http://naghshclick.org>

هنجارهای قومی و سنتی و روابط دوستانه غیررسمی، تأثیرگذاری خود را بر رفتارهای افراد از دست نداده‌اند و این هنجارها و روابط سنتی در کنار قوانین و مقررات رسمی به حیات خود ادامه داده‌اند (۳۹). از سوی دیگر، مطالعات موجود در نمونه‌های محدود نشان می‌دهند قانون‌گریزی در میان دانشجویان شیوع قابل‌اعتنایی داشته است (۱۱: ۳۵). هم‌چنین فراتحلیل عشایری و نامیان (۲۰۲۰)، بر مطالعات موجود داخلی و پژوهش میرزایی و همکاران (۲۰۱۷)، نشان می‌دهد میزان گرایش به قانون‌گریزی متوسط به بالا (میانگین حدود ۳ از ۵) است. به علاوه و در سطح کلان و جهانی، رتبه ایران در ارتباط با میزان و برآورد اعمال قانون بر اساس شاخص «دبلیو جی پی حاکمیت قانون»<sup>۱</sup> که با تأکید بر عواملی مانند نبود فساد، نظارت منظم و غیره ساخته شده، در بین ۱۱۳ کشور، ۸۶ با نمره میانگین ۰٫۴۷ بوده است که رتبه مناسبی نیست (۴۱).

در چنین شرایطی که میزان پذیرش واقعی قوانین از سوی افراد جامعه کاهش یافته است، امکان اجرای درست قوانین نیز فراهم نخواهد شد و این موضوع در بلند مدت و در سطح خرد و کلان جامعه، مشروعیت قوانین موجود را زیر سؤال می‌برد. این موضوع می‌تواند در ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی و اخلاقی جامعه اثر گذاشته و موجب گسیختگی و بی‌سازمانی اجتماعی شود (۴: ۳۳).

از سوی دیگر، به لحاظ تحلیلی باید توجه نمود که نظم اجتماعی یکی از موضوع‌های محوری جامعه‌شناسی است که نظریه‌پردازان کلاسیک هم چون دورکیم بدان پرداخته‌اند و زمانی که خواسته متعارض با جمع مطرح می‌شود، مسئله بی‌نظمی شکل می‌گیرد (۸: ۱۴۱). بی‌قانونی نیز که وجهی از مسئله بی‌نظمی است، تهدیدی علیه نظم و سازمان اجتماعی محسوب می‌شود (۳۰)، و پیوند صریحی با بنیان‌های تئوریک در جامعه‌شناسی و پرسش‌های اساسی این رشته علمی دارد و بررسی آن می‌تواند حائز اهمیت و ضرورت‌های علمی بسیار در این حیطه باشد. این در حالی است که در کشورهای توسعه یافته، تحقیقات قوی‌تری در این حوزه صورت گرفته است (۲۹).

لذا در این مقاله که منتج از طرح پژوهشی با محوریت بررسی مسئله قانون‌گریزی در میان دانشجویان شهر تهران است، تلاش شده است مسئله به خوبی و به صورت جامع در تمام ابعاد و وجوه آن سنجیده شود. این پژوهش در میان دانشجویان به عنوان یکی از گروه‌های مرجع و تأثیرگذار در جامعه دارای اهمیت دو چندان است، چرا که دانشجویان می‌توانند الگوی نقش دیگر اقشار جامعه باشند و شایسته نیست دانشجویان به عنوان پیشگامان تحول‌های اجتماعی، خود درگیر بی‌نظمی و بی‌قانونی باشند. کاهش قانون‌گریزی در میان گروه‌های مرجع می‌تواند به کاهش آن در سطح کلی جامعه کمک نماید. با توجه به حساسیت این نهاد و این قشر از جمعیت، وجود مسئله ولو اندک، ضرورت بررسی علمی شیوع و دلایل آن را تشدید می‌کند.

<sup>۱</sup>. WJP Rule of Law Index

**سابقه و پیشینه تحقیق**

در این مجال سعی شده است تا مرتبط‌ترین پژوهش‌ها با تأکید بر پژوهش‌های حوزه دانشجویی مورد اشاره قرار گیرند. همان گونه که در ادامه ملاحظه خواهد شد، در بسیاری از پژوهش‌های پیشین بر سهم دین‌داری به عنوان متغیر مستقل تأکید شده است. در ادامه بر اساس پیشینه تجربی و نیز مرور مهم‌ترین نظریات، فرضیات تحقیق و در نهایت مدل مفهومی پژوهش ارائه خواهد شد.

پژوهش پیراهری (۲۰۲۰)، با عنوان «بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی با قانون‌گریزی در شهر سمنان» به بررسی رابطه عوامل فرهنگی و اجتماعی با قانون‌گریزی در شهر سمنان پرداخته است. نتایج نشان داده است اعتماد اجتماعی و رضایت از زندگی بر خلاف احساس انومی که رابطه معکوسی با قانون‌گریزی داشته، رابطه مثبتی با قانون‌گریزی دارند. در پژوهش اصغرزاده و شایگان (۲۰۱۶)، با عنوان «رویکرد چند عاملی به قانون‌گریزی» در مورد فراتحلیل مطالعات قانون‌گریزی در ایران با بررسی ۱۶ پژوهش ملاحظه می‌شود که آشفتگی اجتماعی، تحصیلات، اعتقادات مذهبی، نابرابری اقتصادی و ضعف نهادهای نظارتی از عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در ایران بوده‌اند. در پژوهش سلطانی بهرام و همکاران (۲۰۱۴)، با عنوان «بررسی ارتباط قانون‌گریزی با رضایت از عملکرد نیروی انتظامی» که به دنبال بررسی میزان رضایت از عملکرد نیروی انتظامی در نمونه دانشجویان دانشگاه تبریز در ارتباط با قانون‌گریزی بوده‌اند، میزان قانون‌گریزی برابر با ۳۸٪ گزارش شده است. قانون‌گریزی با متغیرهای زمینه‌ای جنس، رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی رابطه معنی‌داری نداشته است. در بررسی محمدی نیکو و علی‌محمدی (۲۰۱۳)، با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در بین شهروندان شهر گرگان» در مورد قانون‌گریزی شهروندان گرگانی ملاحظه می‌شود بین دین‌داری، جنس و طبقه اجتماعی - اقتصادی با قانون‌گریزی رابطه معنی‌داری وجود دارد ولی بین سن، روابط خانوادگی، سطح تحصیلات، نوع شغل و میزان درآمد با متغیر وابسته رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

هم‌چنین، در بررسی مختاری و همکاران (۲۰۱۱)، با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان قانون‌گریزی در روابط اداری» در مورد قانون‌گریزی در میان شهروندان شیرازی که با روش پیمایش و با ترکیب نظریه‌های دورکیم و مرتن انجام شد، نتایج نشان می‌دهد که مردان بیش از زنان در روابط اداری دچار قانون‌گریزی شده‌اند؛ هم‌چنین، متغیرهای ترس از مجازات، احساس تعلق اجتماعی و محدودیت منابع و امکانات، ۲۴٪ از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. در مطالعه علی محسنی (۲۰۱۲)، با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی» با روش پیمایش در مورد مجرمان و متخلفان استان مازندران انجام شده است که نتایج نشان می‌دهند آموزش و آگاهی افراد از قوانین، ضعف و خلأ قوانین، بی‌هنجاری و انومی و اجباری بودن قوانین با قانون‌گریزی رابطه معنی‌داری داشته است.

در مطالعه حیدری و همکاران (۲۰۱۲)، با عنوان «بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر وندالیسم» در مورد دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز با استفاده از نظریه از هم گسیختگی نهادی استیون مسنر و ریچارد روزنفلد، عناصر از هم گسیختگی نهادی (فردگرایی، پیشرفت‌گرایی، جهان‌گرایی و بت‌وارگی) و پایگاه اجتماعی اقتصادی (ابعاد عینی و ذهنی) به بررسی قانون‌گریزی در میان دانشجویان پرداخته شده است. نتایج حاکی از میزان قانون‌گریزی حدود ۵۰٪ بوده است. همچنین، همه ابعاد از هم گسیختگی نهادی با قانون‌گریزی رابطه معنادار و مثبت دارند. مردان قانون‌گریزتر از زنان هستند. همچنین دانشجویانی که محل سکونت‌شان شهر بود، قانون‌گریزتر از ساکنان روستا بودند. هیچ تفاوتی در قانون‌گریزی بین پایگاه‌ها و قومیت‌های مختلف وجود ندارد.

در مطالعه هلالی و خیاطی (۲۰۱۲)، با عنوان «ارائه الگوی سنجش سطوح قانون‌پذیری دانشجویان دانشگاه‌های تهران (با تأکید بر مدل آجیل پارسونز)» در مورد دانشجویان دانشگاه‌های تهران به منظور سنجیدن میزان قانون‌پذیری دانشجویان تهران انجام شده است، میزان قانون‌گریزی دانشجویان برابر با ۵۳٪ می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد سطوح به دست آمده از قانون‌پذیری، مطلوب فضای دانشگاهی نبوده است. همچنین سطح سنجش قانون‌پذیری دانشجویان دانشگاه‌های تهران با رویکرد مدل آجیل پارسونز تحت تأثیر خرده نظام سیاسی فضای دانشگاهی به میزان ۸۴٪ و در سطح بسیار قوی مؤثر است. دانشجویان مقطع تحصیلی کارشناسی، مردان و دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی بیش از سایر دانشجویان قانون‌پذیرند. تفاوت معناداری بین قومیت، منطقه مسکونی، وضعیت تأهل، وضعیت سکونت با میزان قانون‌پذیری وجود ندارد. در حد کمی، از میزان قانون‌پذیری دانشجویان با افزایش سن کاسته می‌شود. هر چه تعداد افراد خانوار دانشجویان و درآمدشان افزایش می‌یابد، میزان قانون‌پذیری آنان نیز کمی افزایش پیدا می‌کند. نهایتاً، تفاوت معناداری در خصوص قانون‌پذیری میان انواع گوناگون گذران اوقات فراغت وجود دارد.

در پژوهش کلانتری و همکاران (۲۰۰۵)، با عنوان «ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی» در مورد ارتباط فقر با قانون‌گریزی در میان شهروندان تبریزی و با روش پیمایش و با استفاده از نظریه ساختاری فرصت مرتن، بوم‌شناسی برگس و تکنیک خنثی‌سازی ساترلند و نظریه تضاد به تحلیل ارتباط ابعاد فقر با قانون‌گریزی پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که قانون‌گریزی با پایگاه اقتصادی-اجتماعی در ارتباط بوده و فقر نگرشی به قانون، فقر دینی، فقر فرهنگی و فقر شهروندی بسترهای مساعدی را برای قانون‌گریزی فراهم می‌کنند.

وانگ ژبو شو و شانگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۰)، در پژوهش خود با عنوان «تحلیلی بر عوامل روان‌شناختی رفتار قانون‌گرایانه» به بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر بر قانون‌گرایی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که بین

<sup>۱</sup>. Wang xiao show & Shang

میزان شناخت منفی از اعمال قانونی و تمایل به قانون‌گرایی ارتباط معکوس وجود دارد. همچنین بین میزان تجربه مثبت از اعمال قانونی، میزان دریافت شناختی از مشروعیت قانون، میزان برداشت از تجربه قانون‌گرایی و میزان آگاهی از تنبیه کیفری رفتار غیر قانونی و قانون‌گرایی ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد. فریر<sup>۱</sup> (۲۰۰۹)، پژوهشی پیمایشی با عنوان «قانون‌شکنی» در مورد اهمیت مجاورت با افرادی که قانون‌شکنی کرده‌اند، انجام داده است. نتایج تحقیق نشان داده است که مجاورت با افراد بزهکار بر قانون‌شکنی آن‌ها تأثیر معنی‌داری داشته است. همچنین تأثیر مجاورت ممکن است با سودمندی فن‌آوری اجرایی ارتباط داشته باشد و این که منافع افراد در شکستن قانون با یکدیگر متفاوت است.

لو ژین کوان<sup>۲</sup> (۲۰۰۸)، در پژوهش خود با عنوان «قانون‌گرایی و دین» درباره دین و گرایش به قانون به این نتیجه رسید که دین با محور قرار دادن آموزه‌های دینی به عنوان معیار و هنجار مطلوب رفتار، به تنظیم و کنترل رفتار و روابط اجتماعی طیف وسیعی از انسان‌ها پرداخته و با توجه به این قدرت بازدارندگی، از بروز آسیب‌های اجتماعی هم‌چون قانون‌گریزی جلوگیری می‌کند. همچنین دین‌داری تأثیر مثبت و معنی‌داری بر قانون‌گرایی دارد. هوبرت<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۶)، در پژوهشی با عنوان «قانون‌گذاری یا قانون‌شکنی؟ قانون‌شکنی توسط دولت در هلند و بریتانیا» به بررسی قانون‌شکنی توسط دولت در هلند و بریتانیا پرداختند. نتایج نشان داد در همه بخش‌های دولت، قانون‌شکنی اتفاق می‌افتد و تنها منحصر به بخش سیاسی نیست.

همان‌طور که از مرور مطالعات پیشین بر می‌آید، پژوهش‌های داخلی به بررسی رابطه قانون‌گریزی با عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته‌اند که در این میان نقش پایگاه اقتصادی-اجتماعی و سن پایین افراد در تمایل به قانون‌گریزی آن‌ها قابل ملاحظه بوده است. تحقیقات اغلب به صورت پیمایش بوده و تنها یک مورد به صورت فراتحلیل انجام شده است اما در مطالعات خارجی طیف روشی و گستره موضوعی، متنوع‌تر است.

در ادامه سعی شده تا به مهم‌ترین و شایع‌ترین رویکردهای نظری و متغیرهای تأثیرگذار بر قانون-گریزی پرداخته شود.

### نظریه محرومیت نسبی

تد گار معتقد است که نارضایتی‌های اجتماعی همیشه در نتیجه بروز این احساس و حالت روانی به انسان‌ها دست می‌دهد. در واقع، شرایط بروز احساس محرومیت، گوناگون است به همین خاطر سه نوع محرومیت را مشخص کرده‌اند: ۱. محرومیت ناشی از کاهش امکانات که در آن توقعات ثابت باقی

<sup>۱</sup>. Ferrer

<sup>۲</sup>. Lou Xin, Q

<sup>۳</sup>. Hubert



می‌مانند، ۲. ناکامی ناشی از افزایش سطح توقعات که در آن امکانات نسبتاً ثابت هستند، ۳. ناکامی فزاینده که در آن توقعات افزایش و امکانات کاهش می‌یابد (۱۲).

در مجموع در دیدگاه محرومیت نسبی، فرد به مقایسه خود با افراد دیگر و گروه مرجع دست می‌زند و دوست دارد که شرایط مشابه با آن‌ها را داشته باشد و اگر در نتیجه مقایسه برای فرد این ذهنیت را پیدا کند که بر اساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که عایدش شده در مقایسه با دیگران عادلانه و منصفانه نیست دچار احساس محرومیت نسبی شده و این امر باعث بروز نارضایتی در دو سطح فردی و اجتماعی می‌شود (۱۲: ۱۴).

### نظریه پیوند اجتماعی

هیرشی به عنوان مهم‌ترین پایه‌گذار نظریه پیوند اجتماعی معتقد است انحراف زمانی اتفاق می‌افتد که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد یا گسسته شود. وی مدعی است که پیوند میان فرد و جامعه مهم‌ترین علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن علت اصلی کجرفتاری است (۳۳: ۵۲). او عناصری از قبیل: «تعلق خاطر عاطفی<sup>۱</sup> فرد به افراد و نهادهای اجتماعی»، «تعهد<sup>۲</sup> فرد نسبت به عقاید و قضاوت دیگران»، «مشارکت<sup>۳</sup> فرد در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی» و «باور<sup>۴</sup> به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی جامعه در رعایت قوانین و مقررات» را پیوند دهنده افراد به یکدیگر و جامعه می‌داند (۱۳). بنابراین هر چه افراد کمتر وابسته، متعهد، درگیر و معتقد باشند، پیوندشان با جامعه ضعیف‌تر است و احتمال قانون‌گریزی‌شان بیشتر خواهد بود.

### نظریه فشار ساختاری مرتن

این نظریه رفتارهای انحرافی را منتج از فشارهای جامعه می‌داند که موجب می‌شوند بعضی از افراد به کجروی روی آورند (۳۶: ۱۲۹). در واقع افراد غیرموفق، زمانی که با موفقیت نسبی افراد اطراف خود مواجه می‌شوند، در برابر موقعیت‌های خود احساس ناامیدی می‌کنند. زمانی که این نابرابری افزایش پیدا می‌کند، این فشار نیز بیشتر می‌شود و به دنبال آن، انگیزه افراد کم درآمد برای ارتکاب جرم و خشونت نیز بیشتر می‌شود (۳۸: ۱۹۴۲).

مرتین از مفهوم بی‌هنجاری دورکیم برای پروراندن نظریه پر نفوذی درباره کجروی بهره گرفت. او این مفهوم را توسعه داد و آن را به فشاری اطلاق کرد که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیزند، بر رفتار افراد وارد می‌آید. او همانند دورکیم از دیدگاه کارکردگرایی به این مفهوم

1. Attachment

2. Commitment

3. Involvement

4. Belief

می‌پردازد و انحراف را نتیجه عدم تعادل در نظام اجتماعی می‌داند. آنومی از نظر مرتن حاصل شرایطی است که در آن هنجارها به‌عنوان شیوه‌های جمعی حصول موفقیت نمی‌توانند به‌خوبی عمل کنند. در نتیجه، شیوه‌های فردی برای رسیدن به موفقیت جایگزین می‌شوند (۳۱: ۵۴)، که عبارت‌اند از:

الف) هم‌نوایی<sup>۱</sup>: زمانی پیش می‌آید که افراد جامعه هم ارزش‌های عموماً پذیرفته شده و هم وسایل رسمی تلاش برای تحقق آن‌ها را می‌پذیرند، صرف نظر از این که با موفقیت رو به رو شوند یا خیر، اکثریت جمعیت در این گروه قرار می‌گیرند. ب) نوآوری<sup>۲</sup>: زمانی که افراد ارزش‌های مورد قبول از نظر اجتماعی را می‌پذیرند، اما از وسایل غیر مشروع یا غیرقانونی برای تبعیت از آن‌ها استفاده می‌کنند. تب‌هکارانی که درصد کسب ثروت از طریق فعالیت‌های غیرقانونی هستند، نمونه‌ای از این نوع واکنش‌اند؛ مثل رشوه‌خواران و تقلب‌کنندگان. ج) شعائرگرایی<sup>۳</sup>: کسانی که هم‌چنان به هم‌نوایی با معیارهای از نظر اجتماعی پذیرفته شده ادامه می‌دهند؛ اگرچه ارزش‌هایی را که در اصل محرک فعالیت‌شان بوده، از نظر انداخته‌اند؛ مانند پرستاری که در بیمارستان بیش از توجه به بیمار، به پرونده‌سازی و کارهای اداری توجه می‌کند. د) انزواطلبان<sup>۴</sup>: افرادی هستند که شیوه نگرش سبقت‌جویانه را به‌کلی رها کرده‌اند و به این ترتیب هم ارزش‌های مسلط و هم وسایل مورد قبول دست‌یابی به آن‌ها را رد می‌کنند؛ مانند معتادان و ولگردها. ه) طغیانگری<sup>۵</sup>: واکنش افرادی است که هم ارزش‌های موجود و هم وسایل بهنجار را رد می‌کنند اما فعالانه می‌خواهند ارزش‌های جدیدی را جایگزین کرده و نظام اجتماعی را بازسازی کنند؛ همانند رفتار انقلابیون (۹: ۱۶۰).

«برخی از آسیب‌شناسان بر این عقیده‌اند که شرایط اجتماعی امروز کشورهای در حال توسعه از جمله ایران نیز که در گذار از یک جامعه سنتی به جامعه مدرن هستند و با بحران‌های شدید اقتصادی و اجتماعی روبرو می‌باشند، با این مفهوم بی‌هنجاری (فشارهای ساختاری) قابل تبیین است» (۳۶: ۱۲۹).

### جمع‌بندی مبانی نظری

در نظریه محرومیت نسبی، افزایش نارضایتی‌های اجتماعی دلیل اصلی احساس محرومیت نسبی تلقی می‌شود که پیامد تعامل انواع ناکامی و توقعات تلقی می‌شود؛ در این شرایط فرد با مقایسه خود با دیگر افراد و گروه‌های مرجع، بیش از پیش، میزان پاداش‌های دریافتی خود را ناعادلانه احساس می‌کند. در همین راستا، نظریه فشار ساختاری مرتن نیز انحراف را ناشی از مقایسه و احساس ناکامی افراد غیرموفق با موفقیت نسبی افراد اطراف خود می‌داند که در نتیجه آن، شیوه‌های فردی جایگزین هنجارهای پذیرفته شده می‌شوند.

1. Conformism

2. Innovation

3. Ritualism

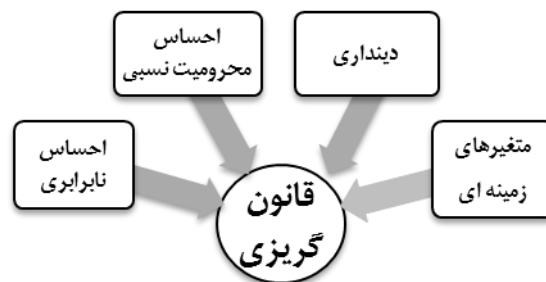
4. Retreat

5. Rebellion

بعلاوه، نظریه پیوند اجتماعی نیز به اهمیت ضعف و گسست روابط در بروز ناهنجاری‌هایی مانند قانون‌گریزی تأکید دارد؛ در این نظریه، تعلق خاطر عاطفی کمتر، تعهد کمتر نسبت به عقاید دیگران، مشارکت کمتر در فعالیت‌های اجتماعی و باور ضعیف به هنجارهای اخلاقی، زمینه‌ساز ارتکاب انحرافات مانند قانون‌گریزی خواهند شد.

همان‌طور که ملاحظه شد، مدل و فرضیات این پژوهش به دست آمده از نظریات پیش گفته بوده است؛ متغیر دین‌داری وجهی از نظریه پیوند اجتماعی هیرشی را می‌سنجد. متغیرهای احساس محرومیت نسبی و احساس نابرابری به نوعی بازتاب گزاره‌های نظریات فشار ساختاری مرتن و محرومیت نسبی تدگار می‌باشند. در ادامه مدل و فرضیه‌های پژوهش ارائه شده است.

### مدل مفهومی پژوهش



شکل شماره (۱): مدل مفهومی پژوهش

### فرضیه‌های تحقیق

- بین دین‌داری و ابعاد سه‌گانه آن با قانون‌گریزی در بین دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین احساس محرومیت نسبی و ابعاد دوگانه آن با قانون‌گریزی در بین دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین احساس نابرابری و ابعاد سه‌گانه آن با قانون‌گریزی در بین دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین متغیرهای زمینه‌ای با قانون‌گریزی در بین دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

## روش تحقیق

در این پژوهش کاربردی از روش کمی و تکنیک پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری متشکل از ۶۵۱۵۲۴ دانشجوی دختر و پسر در مقاطع تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در گروه‌های تحصیلی هنر، علوم انسانی، علوم پایه و پزشکی، کشاورزی و دامپزشکی، فنی مهندسی شاغل به تحصیل در دانشجویان کلیه دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در استان تهران (به‌استثنای دانشگاه‌های جامع علمی کاربردی و دانشگاه پیام نور) در سال ۱۳۹۶ است. برای محاسبه حجم نمونه در این پژوهش با توجه به مشخص بودن عدد جامعه آماری از فرمول کوکران استفاده شده است. جمعیت نمونه موردنظر با استفاده از فرمول کوکران و با  $p=q=.5$  و  $d=.05$  و  $t=1.96$  تعداد ۳۷۸ نفر محاسبه شده است. با توجه به مسائل پیش روی یک پژوهش اجتماعی که ممکن است باعث حذف برخی پرسشنامه‌ها گردد، حجم نمونه به دست آمده با ۲۲ نفر افزایش ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد و از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌ها پس از جمع‌آوری و کدگذاری، با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

در مورد اعتبار صوری پرسشنامه، منظور اعتبار شاخص‌ها یا معرف‌های پژوهش از طریق مراجعه به داوران است. در این روش برای اطمینان از اعتبار شاخص‌ها به متخصصین متعددی مراجعه می‌شود. وفاق متخصصین در مورد شاخص‌ها نشانگر اعتبار شاخص‌ها است. پرسشنامه تهیه شده برای این پژوهش پس از طی این مراحل، در پیش‌آزمونی با نمونه‌ای ۵۰ نفری از دانشجویان دانشگاه تهران (به این علت که دارای تمامی رشته‌ها و مقاطع موردنظر پژوهش هست) و دانشگاه علامه طباطبایی قرار گرفت و همبستگی درونی داده‌ها به وسیله محاسبه آلفای کرونباخ به دست آمد. به نظر دواس معمولاً مقیاس‌های با آلفای بیش از  $.5$  و حتی دقیق‌تر بیش از  $.7$  دارای روایی درونی محسوب می‌شوند. این پژوهش ملاک خود را ضریب آلفای  $.60$  در نظر گرفته است. ضمناً توزیع نرمال داده‌ها نیز از طریق آزمون کولموگروف اسمیرنوف بررسی شد که در سطح  $5\%$  معنی‌دار بود، بنابراین توزیع داده‌ها به صورت نرمال بود.

## تعاریف نظری و عملیاتی

## قانون‌گریزی

رفتاری است که با مخالفت از قوانین رسمی جامعه انجام می‌گیرد و قانون‌گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد. شیوع تکرار این رفتار، میزان قانون‌گریزی افراد را تعیین می‌کند (۳۵). ۸ گویه برای متغیر قانون‌گریزی طراحی شده که بر اساس طیف رتبه‌ای لیکرت (به صورت پنج گزینه‌ای کاملاً مخالف، مخالف، بینابین، موافق و کاملاً موافق) مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

### احساس محرومیت نسبی

اگر فرد در مقایسه پاداش‌ها و دستاوردهای خود با گروه مرجعش، نتیجه را ناعادلانه ببیند، احساس محرومیت و عدم رضایت به وی دست می‌دهد (۶). متغیر احساس محرومیت نسبی از مجموع ۸ گویه فردی و اجتماعی، مورد محاسبه قرار گرفته است. پنج گزینه به محرومیت نسبی فرد می‌پردازد و ۳ گزینه از طریق بررسی وضعیت کشور به لحاظ جایگاه تمدنی و مناسبات سیاسی در عرصه بین‌المللی و نیز جایگاه اقتصادی، وضعیت احساس محرومیت نسبی فرد در بعد ملی را بررسی می‌کند.

### احساس نابرابری

پیامد نگرانی‌های اقتصادی و دسترسی به ارتقای طبقاتی و منزلتی را شامل می‌شود (۷). متغیر احساس نابرابری نیز، در ۱۰ گویه و در سه بعد نابرابری اجتماعی (۵ گویه)، اقتصادی (۳ گویه) و سیاسی (۲ گویه) سنجش شده است. از طرفی، ۳ گویه احساس برابری و ۷ گویه احساس نابرابری را می‌سنجند.

### دین‌داری

تربیت دینی چهار جنبه عمده در هویت افراد دارد: الف) اعتقادی و فکری: نظیر «خدا یکی است» و «خدا شریک ندارد»؛ ب) تجربه درونی: مفاهیمی چون: خوف، توکل و دعا؛ ج) التزام درونی: متضمن انتخاب نسبت به چیزی و پای‌بندی نسبت به آن است؛ د) عمل: یعنی این که فرد متدین کسی است که به اقتضای اعتقادات و ایمان به خدا اقدام به انجام عملی کند.

### جدول شماره (۱): تعاریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعریف عملیاتی
قانون‌گریزی	انسان‌ها تا کسی بالای سرشان نباشد قانون را رعایت نمی‌کنند/ برای انجام کارهای اداری فقط باید دنبال دوست و آشنا (پارتی) یا راه‌های غیرقانونی باشیم/ درست است که قانون در جامعه مهم است، ولی می‌توان به خاطر خانواده و دوستان نزدیک از آن چشم‌پوشی کرد/ وقتی همه حق مرا می‌خورند، من برای چی دنبال حفظ قانون دیگران باشم؟/ حتی وقتی دیگران قانون را رعایت نمی‌کنند، من به قانون احترام می‌گذارم/ قوانین و مقررات باعث نظم‌بخشی به جوامع هستند. قانون ویژگی جامعه انسانی است و حفظ آن حرمت دارد/ رعایت قانون باعث می‌شود تا راحت‌تر به حقوق خودم برسم/ در هر وضعیتی سعی می‌کنم به قانون عمل کنم.
احساس محرومیت نسبی	آیا احساس می‌کنید در زندگی به آن چه حق شماست دست یافته‌اید؟/ آیا احساس می‌کنید اگر تلاش کنید می‌توانید در کشورتان به آن چه حق‌تان است دست یابید و از دیگران عقب نمانید؟/ بین امکانات رفاهی که در حال حاضر از آن بهره‌مند هستید و آن چه حق خود می‌دانید، چقدر فاصله وجود دارد؟/ آیا احساس می‌کنید از آن چه حق‌تان است محروم هستید؟/ خانواده‌تان چی؟ آیا به آن چه حق‌شان است رسیده‌اند؟/ آیا احساس می‌کنید به لحاظ مناسبات سیاسی و جایگاه سیاسی کشور در عرصه بین‌المللی به آن چه شایسته ایران است، دست یافته‌ایم؟/ آیا با توجه به منابع طبیعی کشورمان توانسته‌ایم از نظر اقتصادی در جایگاهی که حق ماست قرار بگیریم؟/ به نظر شما ایران توانسته است به جایگاه تمدنی شایسته خود در عرصه بین‌المللی دست یابد؟
احساس نابرابری	حتی وضع قوانین نیز مبتنی بر منفعت یک عده خاص در جامعه صورت می‌گیرد/ همه افراد جامعه به امکانات برابر دسترسی ندارند/ در مدرسه هیچ‌وقت احساس نکردم که من با سایر دانش‌آموزان برابر هستم/ احتمال اشتغال به مناصب سیاسی در بین همه مردم یکسان نیست و همیشه عده‌ای خاص شانس بیشتری دارند/ نابرابری در حقوق و درآمدها خیلی زیاد است و نسبتی با توان‌مندی‌های افراد

ندارد/ من معتقدم باید نابرابری در جامعه وجود داشته باشد. چون همه برابر نیستند/ زنان با کار برابر و توانمندی یکسان با مردان، هیچ وقت نتوانستند به موقعیت برابری با آن‌ها دست یابند/ این که در ایران فردی متعلق به یک اقلیت قومی باشد باعث می‌شود از برخی منافع و امکانات اجتماعی زندگی محروم شود/ در ایران همه ادیان و مذاهب باهم برابرند و از حقوق یکسانی برخوردارند/ من برابر با دیگران به امکانات بهداشتی و سلامتی مناسبی دسترسی دارم.

تمام هستی، مخلوق خداوندی است که شریکی ندارد/ حضرت محمد (ص) از جانب خداوند به پیامبری مبعوث شده است/ قرآن کتاب الهی و کلام خداست و حقیقت محض است/ در روز قیامت به اعمال و رفتار ما دقیقاً رسیدگی می‌شود و بهشت و جهنم واقعی است/ همیشه نماز می‌خوانم/ پیش می‌آید که بدون هرگونه عذر شرعی، روزه‌های ماه رمضان خود را نگیرم/ معمولاً قرآن می‌خوانم/ در امور زندگی و حل مسائل آن باید با روحانیون مشورت کرد/ در صورت اقتضای شرایط، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنم/ در مراسم شب‌های احیاء، نماز جماعت، مجالس دعا در مسجد و هیئت‌های دانشگاه و اماکن مذهبی شرکت می‌کنم/ در انتخاب همسر به ملاک‌های دینی اهمیت زیادی می‌دهم/ شراب نوشیدن (نوشیدنی الکلی) حرام است/ با آن دسته از دوستان یا فامیل که پایبندی دینی چندانی ندارند، کمتر رفت و آمد می‌کنم.

دین‌داری

### یافته‌ها

در این پژوهش متغیرهای سن، جنس، مقطع تحصیلی، گروه تحصیلی، وضعیت تأهل، هزینه تحصیل، وضعیت اشتغال، وضعیت سکونت و پنداشت از طبقه اقتصادی- اجتماعی به عنوان متغیرهای زمینه‌ای مورد بررسی قرار گرفته‌اند. حدود سه چهارم از پاسخگویان ۷/۷۵٪ در گروه سنی ۱۸ تا ۲۸ سال قرار دارند که به وضوح نشان دهنده جوان بودن جمعیت دانشجویی مورد بررسی است. سپس، حدود یک پنجم از دانشجویان ۶/۱۹٪ در گروه سنی ۲۸ تا ۳۸ سال قرار دارند. از کل پاسخگویان نمونه آماری، ۳/۵۱٪ را زنان و حدود ۷/۴۸٪ را مردان تشکیل داده‌اند که تقریباً نسبت برابری دارند. اندکی فراتر از نیمی از دانشجویان ۲/۵۲٪ در گروه علوم انسانی تحصیل می‌کنند، سپس دانشجویان گروه علوم پایه و پزشکی با ۲۲٪ در رتبه بعدی قرار داشته، در نهایت دانشجویان گروه‌های فنی و مهندسی، هنر، کشاورزی و دامپروری به ترتیب با ۱۸/۱٪، ۳/۵٪، ۱/۹٪ در رتبه‌های بعدی قرار داشته‌اند.

در مورد مقطع تحصیلی، ۴/۴٪ در مقطع کاردانی، ۴/۳۷٪ در مقطع کارشناسی، ۳/۴۳٪ در مقطع کارشناسی ارشد و ۱/۱۵٪ در مقطع دکتری مشغول به تحصیل هستند. همچنین، تعداد کل سال‌های تحصیل در دوران قبل و بعد از دانشگاه در مورد دانشجویان نیز در جدول (۲) مشخص شده است؛ به گونه‌ای که حدود ۸۶٪ بین ۱۰ تا ۱۹ سال تحصیل کرده‌اند. میانگین سال‌های تحصیل برابر با ۱۶ سال بوده است؛ به عبارتی دیگر، به طور میانگین پاسخگویان تحصیلات دوره کارشناسی را پشت سر گذاشته- اند و در مقطع کارشناسی ارشد در حال تحصیل می‌باشند.

۳/۸۲٪ از دانشجویان مجرد و ۷/۱۶٪ از آن‌ها نیز متأهل هستند. همچنین، بیش از نیمی از افراد ۳/۶۳٪ صرفاً مشغول به تحصیل در دانشگاه هستند، حال آن که ۸/۲۲٪ شاغل نیمه وقت و ۳/۱۴٪ شاغل تمام وقت نیز می‌باشند. همچنین از دانشجویان پرسیده شده که آیا برای تحصیل‌شان هزینه‌ای می‌پردازند یا خیر؛ عمده پاسخگویان ۵/۶۳٪ در دوره‌های روزانه و دانشگاه‌های دولتی مشغول به تحصیل می‌باشند

و برای تحصیل‌شان هزینه‌ای پرداخت نمی‌کنند اما ۳۶/۵٪ برای تحصیل خود در دوره‌های شبانه و غیره هزینه می‌پردازند.

توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت سکونت نشان می‌دهد ۵۴/۲٪ از دانشجویان در منزل والدین، ۲۵/۴٪ در خوابگاه‌های دانشجویی و ۱۷/۵٪ در منزل شخصی زندگی می‌کنند. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پنداشت از طبقه اقتصادی - اجتماعی نشان می‌دهد حدود دو سوم از دانشجویان ۷۴/۹٪ تصور می‌کنند که متعلق به طبقه اقتصادی - اجتماعی متوسط باشند، سپس ۱۴/۶٪ خود را متعلق به طبقات پایین و خیلی پایین دانسته و ۱۰/۶٪ نیز خود را متعلق به طبقه بالا و خیلی بالا ارزیابی می‌کنند. در مورد متغیر وابسته قانون‌گریزی، همان‌گونه که در جدول (۲) ملاحظه می‌شود، حدود نیمی از دانشجویان ۴۸/۷٪ در حد کم و خیلی کمی گرایش به قانون‌گریزی دارند. میانگین این شاخص در بازه ۱ تا ۵ برابر با ۲/۳۰ نشان دهنده گرایش متوسط رو به پایین دانشجویان به قانون‌گریزی می‌باشد. همان‌طور که در جدول تعاریف عملیاتی نیز آورده شده است، متغیر قانون‌گریزی از ترکیب میزان موافقت یا مخالفت با گویه‌هایی از جمله «انسان‌ها تا کسی بالای سرشان نباشد قانون را رعایت نمی‌کنند»، «برای انجام کارهای اداری فقط باید دنبال دوست و آشنا (پارتی) یا راه‌های غیرقانونی باشیم»، «وقتی همه حق مرا می‌خورند، من برای چی دنبال حفظ قانون دیگران باشم؟»، «در هر وضعیتی سعی می‌کنم به قانون عمل کنم» و ... به دست آمده است.

جدول شماره (۲): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر قانون‌گریزی

طبقات	خیلی کم		کم		بینابین		زیاد		خیلی زیاد	
	%	N	%	N	%	N	%	N	%	N
متغیر قانون‌گریزی	۱۳/۵	۵۱	۴۸/۷	۱۸۴	۳۲/۲	۱۲۲	۴/۸	۱۸	۰/۸	۳

در بحث از متغیر دین‌داری، نتایج در جدول (۳) توصیف هر بعد را نشان می‌دهد؛ میانگین بعد اعتقادی از دیگر ابعاد بیشتر و برابر با حدود ۴ از ۵ بوده است و نشان از باورها و اعتقادات بالای دانشجویان دارد. بعد از آن بعد التزام و سپس بعد مناسکی میزان بالاتری را در دین‌داری دانشجویان دارا هستند. شاخص کل دین‌داری دارای میانگین ۳/۱۸ و نشان از دین‌داری متوسط رو به بالای دانشجویان دارد.

جدول شماره (۳): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر دین‌داری و ابعاد آن

طبقات	بسیار پایین		پایین		متوسط		بالا		بسیار بالا	
	%	N	%	N	%	N	%	N	%	N
اعتقاد	۱۳/۸	۵۲	۶/۹	۲۶	۹/۸	۳۷	۱۰/۱	۳۸	۵۹/۴	۲۲۴
مناسکی	۲۲/۲	۸۵	۲۲/۲	۸۴	۲۴/۶	۹۳	۲۵/۷	۹۷	۵/۳	۲۰
التزام	۲۳/۵	۸۹	۶/۰	۲۳	۲۱/۲	۸۰	۲۵/۹	۹۸	۱۳/۵	۵۱
شاخص کل دین‌داری	۱۹	۷۲	۱۴/۶	۵۵	۲۴/۳	۹۲	۲۹/۶	۱۱۲	۱۲/۴	۴۷

شاخص احساس محرومیت نسبی متشکل از محرومیت نسبی فردی و از طریق بررسی وضعیت کشور به لحاظ جایگاه تمدنی و مناسبات سیاسی در عرصه بین‌المللی و نیز جایگاه اقتصادی، وضعیت احساس محرومیت نسبی در بعد اجتماعی را بررسی می‌کند. همان گونه که در جدول (۴) ملاحظه می‌شود، احساس محرومیت نسبی فردی حدود یک سوم از دانشجویان ۳۴/۴٪ در حد زیاد و خیلی زیاد می‌باشد. حال آن که بیش از نیمی از دانشجویان ۶۵/۶٪ در حد متوسطی این احساس را تجربه می‌کنند. احساس محرومیت نسبی اجتماعی نیز در مورد عمده دانشجویان ۷۱/۲٪ در حد زیاد و خیلی بوده است. شاخص کل احساس محرومیت نسبی برای ۳۷٪ از دانشجویان در حد کم و خیلی کم بوده است، اما در مورد ۴۲/۶٪ از دانشجویان در حد زیاد و خیلی زیاد بوده است. میانگین این شاخص برابر با ۳/۲۶ است که نشان از سطح متوسط رو به بالای محرومیت نسبی دانشجویان دارد.

جدول شماره (۴): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب احساس محرومیت نسبی و ابعاد آن

طبقات	خیلی کم		کم		بینابین		زیاد		خیلی زیاد		متغیر
	%	N	%	N	%	N	%	N	%	N	
احساس محرومیت فردی	۱۲	۳/۲	۶۴	۱۶/۹	۱۷۲	۴۵/۵	۱۰۵	۲۷/۸	۲۵	۶/۶	احساس محرومیت فردی
احساس محرومیت اجتماعی	۷	۱/۹	۸	۲/۱	۹۴	۲۴/۹	۸۸	۲۳/۳	۱۸۱	۴۷/۹	احساس محرومیت اجتماعی
شاخص احساس محرومیت	۱۵	۴/۵	۶۸	۱۸	۱۳۲	۳۴/۹	۱۲۱	۳۲	۴۰	۱۰/۶	شاخص احساس محرومیت

شاخص احساس نابرابری متشکل از سه شاخص احساس نابرابری اجتماعی، احساس نابرابری اقتصادی و احساس نابرابری سیاسی می‌باشد. همان گونه که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، به ترتیب بیشترین سطح احساس نابرابری در حد زیاد و خیلی زیاد به ترتیب مربوط به بعد سیاسی ۷۰/۳٪، اقتصادی ۶۱/۴٪ و اجتماعی ۳۹/۴٪ می‌باشد. شاخص کل احساس نابرابری نیز نشان می‌دهد که حدود نیمی از پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیادی احساس نابرابری داشته‌اند و تنها ۱۵/۶٪ از آن‌ها در حد کم و خیلی کمی این مسئله اجتماعی را احساس می‌کنند. شاخص کل احساس نابرابری دارای میانگین ۳/۷۶ و نشان از احساس نابرابری متوسط رو به بالای دانشجویان دارد.

جدول شماره (۵): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب احساس نابرابری و ابعاد آن

طبقات	خیلی کم		کم		بینابین		زیاد		خیلی زیاد		متغیر
	%	N	%	N	%	N	%	N	%	N	
احساس نابرابری اجتماعی	۱۳	۳/۴	۴۳	۱۱/۴	۱۷۳	۴۵/۸	۱۰۶	۲۸	۴۳	۱۱/۴	احساس نابرابری اجتماعی
احساس نابرابری اقتصادی	۱۲	۳/۲	۱۹	۵	۱۱۵	۳۰/۴	۱۵۳	۴۰/۵	۷۹	۲۰/۹	احساس نابرابری اقتصادی
احساس نابرابری سیاسی	۱۰	۲/۶	۳۴	۹	۶۸	۱۸	۱۶۰	۴۲/۳	۱۰۶	۲۸	احساس نابرابری سیاسی
شاخص احساس نابرابری	۶	۱/۶	۵۳	۱۴	۱۳۳	۳۵/۲	۱۴۰	۳۷	۴۶	۱۲/۲	شاخص احساس نابرابری



در سه فرضیه اول، برای سنجش روابط بین متغیرها از آزمون پارامتریک متناسب استفاده شده است؛ بنابراین لازم است که داده‌ها از چندین پیشفرض تبعیت کنند از جمله: در سطح سنجش فاصله‌ای یا نسبی باشند و از توزیع نرمال برخوردار باشند.

همان گونه که در جدول (۶) ملاحظه می‌شود در مورد فرضیه اول، رابطه شاخص کل دین‌داری و تمام ابعادش با قانون‌گریزی نسبتاً ضعیف و معکوس می‌باشد؛ یعنی با افزایش میزان دین‌داری دانشجویان، میزان قانون‌گریزی آن‌ها کاهش می‌یابد. در مورد فرضیه دوم، نتایج نشان دهنده این است که روابط تنها در بعد فردی احساس محرومیت و قانون‌گریزی معنی‌دار بوده است. در واقع، فرض صفر رد شده و افزایش بعد فردی احساس محرومیت نسبی همسو با افزایش قانون‌گریزی در میان دانشجویان بوده است. نهایتاً فرضیه سوم مبنی بر ارتباط بین احساس نابرابری و قانون‌گریزی، معنی‌دار نبوده است.

**جدول شماره (۶): نتایج آزمون همبستگی پیرسون رابطه بین قانون‌گریزی و متغیرهای مستقل و ابعاد آن‌ها**

فرضیه		شاخص دین‌داری			
۱	بعد اعتقاد درونی	بعد التزام درونی	شاخص کل	بعد انجام مناسک	بعد اعتقاد درونی
	مقدار	مقدار	مقدار	مقدار	مقدار
	Sig.	Sig.	Sig.	Sig.	Sig.
	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۶	۰/۱۸
شاخص احساس محرومیت نسبی					
۲	بعد احساس محرومیت نسبی اجتماعی	بعد احساس محرومیت نسبی فردی	شاخص کل	بعد احساس محرومیت نسبی فردی	بعد احساس محرومیت نسبی اجتماعی
	مقدار	مقدار	مقدار	مقدار	مقدار
	Sig.	Sig.	Sig.	Sig.	Sig.
	۰/۰۹	۰/۰۶	۰/۱۵	۰/۰۰	۰/۳۰
شاخص احساس نابرابری					
۳	بعد احساس نابرابری اجتماعی	بعد احساس نابرابری اقتصادی	شاخص کل	بعد احساس نابرابری سیاسی	بعد احساس نابرابری اجتماعی
	مقدار	مقدار	مقدار	مقدار	مقدار
	Sig.	Sig.	Sig.	Sig.	Sig.
	۰/۰۲	۰/۶۰	۰/۲۳	۰/۰۴	۰/۳۸

در این بخش در جدول (۷) به طور جداگانه، نوع آزمون‌ها و دلیل استفاده از آن‌ها از قبیل نوع فرضیه، نوع داده و سطح سنجش متغیرها آورده شده است.

جدول شماره (۷): مشخصات آزمون‌های استفاده شده در بررسی روابط متغیرهای تحقیق

دلیل استفاده	نوع آزمون	نوع فرضیه	نوع داده	سطح سنجش متغیرها	متغیرهای زمینه‌ای
	ضریب وی کرامر	همبستگی	ناپارامتری	اسمی - اسمی	جنس وضعیت تأهل وضعیت اشتغال محل سکونت گروه تحصیلی هزینه تحصیلی
	ضریب همبستگی اسپیرمن	همبستگی	ناپارامتری	ترتیبی / فاصله‌ای	سن طبقه اجتماعی مقطع تحصیلی
	آزمون تفاوت میانگین تی دو نمونه‌ای	مقایسه‌ای	پارامتری	متغیر وابسته باید کمی و فاصله‌ای/نسبی باشد. متغیر مستقل باید کیفی و اسمی باشد.	جنس وضعیت تأهل وضعیت اشتغال محل سکونت گروه تحصیلی هزینه تحصیلی

چهارمین فرضیه عبارت بوده است از وجود رابطه معنی‌دار میان متغیرهای زمینه‌ای با قانون‌گریزی. برای بررسی این فرضیه از آزمون‌های ضریب وی کرامر، ضریب همبستگی اسپیرمن، آزمون تفاوت میانگین تی دو نمونه‌ای استفاده شده است. همان‌طور که در جدول (۸) ملاحظه می‌شود تنها رابطه سن و مقطع تحصیلی با قانون‌گریزی معنادار بوده است (با مقادیر  $-0/11$  و  $-0/15$ ) که نشان از رابطه نسبتاً ضعیف کاهش سن و مقطع تحصیلی دانشجویان با افزایش میزان قانون‌گریزی آن‌ها دارد.

جدول شماره (۸): نتایج آزمون‌های بررسی روابط قانون‌گریزی با متغیرهای زمینه‌ای

متغیرهای زمینه‌ای	جنس	سن	وضعیت تأهل	وضعیت اشتغال	محل سکونت	طبقه اجتماعی	مقطع تحصیلی	گروه تحصیلی	هزینه تحصیلی
قانون‌گریزی	۰/۵۲	۰/۰۳	۰/۷۷	۱/۰۸	۰/۵۴	۰/۰۷	۰/۰۰	۰/۸۱	۰/۲۹
Sig.									
مقدار آزمون	-۰/۶۴	-۰/۱۱	۰/۳۵	۰/۳۴	۰/۷۷	۲/۱۹	-۰/۱۵	۰/۳۹	-۱/۰۵

### بحث و نتیجه‌گیری

همان گونه که ملاحظه شد، مسئله قانون‌گزیزی در میان دانشجویان مشغول به تحصیل در شهر تهران در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و سعی شد شیوع پدیده و برخی مهم‌ترین علل اجتماعی آن واکاوی گردد. فارغ از وضعیت‌های آماری پیشین در میان دانشجویان که البته خود دارای اهمیت بوده‌اند و در پیش مورد اشاره قرار گرفتند، وجود حتی اندک چنین مسائلی در جامعه دانشجویی به خودی خود حساسیت برانگیز است.

همان طور که در بخش یافته‌های توصیفی مشاهده گردید میانگین  $2/30$  در بازه یک تا پنج نشان از قانون‌گزیزی متوسط رو به پایین دانشجویان تهران داشته است که مشابه وضعیت توصیف شده در تحقیقات دیگر بوده است (۱۱) و (۳۵) و (۲: ۱۸). بنابراین، اگر چه وضعیت این مسئله در میان قشر دانشجویی در حد زیاد و نگران کننده نیست، ولی وجود متوسط آن، نیاز به توجه بیشتر از جانب محققان و سیاست‌گذاران را ایجاب می‌کند. شاخص‌های کل دین‌داری، احساس محرومیت نسبی و احساس نابرابری نیز به ترتیب دارای میانگین  $3/18$ ،  $3/26$  و  $3/76$  بوده‌اند که نشان دهنده سطح متوسط رو به بالای این شاخص‌ها در میان دانشجویان بوده است که نشان از دین‌داری متوسط و احساس نابرابری و محرومیت نسبی در حد متوسط به بالا دارد.

در بخش یافته‌های استنباطی در مورد متغیرهای زمینه‌ای، رابطه بین سن و قانون‌گزیزی از لحاظ آماری معنی‌دار بود؛ بدین معنی که هر چه سن افراد پایین‌تر باشد، میزان قانون‌گزیزی آنان بیشتر است. در تأیید این یافته، نتایج پژوهش زارعی (۲۰۰۹)، گواه است و همچنین هلالی و خیاطی (۲۰۱۲)، نیز بدین نتیجه در پژوهش خود دست یافتند که در حد کمی، از میزان قانون‌پذیری دانشجویان با افزایش سن کاسته می‌شود. علاوه بر سن، دیگر رابطه آماری معنی‌دار، رابطه بین مقطع تحصیلی با قانون‌گزیزی بوده است؛ بدین معنی که هر چه مقطع تحصیلی افراد پایین‌تر باشد، میزان قانون‌گزیزی آنان بیشتر است؛ اما بر خلاف یافته‌های پژوهش فعلی، یافته‌های پژوهش هلالی و خیاطی (۲۰۱۲)، نشان می‌دهد دانشجویان مقطع تحصیلی کارشناسی بیش از سایر دانشجویان قانون‌پذیرند. از سوی دیگر یافته‌های پژوهش سلطانی بهرام و همکاران (۲۰۱۴)، نیز نشان داده است که قانون‌گزیزی با مقطع تحصیلی رابطه معنی‌داری نداشته است.

همان طور که در نظریه هیرشی ملاحظه می‌شود، افزایش پیوند فرد و جامعه، نقش بسیار کلیدی در تحلیل و مواجهه با انحرافات اجتماعی و قانون‌شکنی‌ها دارد؛ مادامی که افراد جامعه و مخصوصاً اقشار نخبه و تحصیلکرده آن، پیوندهای گسسته‌تر و نامستحکم‌تری با نهادهای اجتماعی برقرار کنند، انتظار کجروی‌ها و تخطی‌های آن‌ها از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مسلط و پذیرفته شده امری دور از انتظار و خلاف واقع نخواهد بود (۱۸: ۳).

در این راستا، ملاحظه شد که دین‌داری به عنوان یک ساز و کار کنترل درونی می‌تواند پیوند فرد و جامعه را گسترش داده و از احتمال وقوع پدیده‌هایی هم‌چون قانون‌گریزی بکاهد که این نتیجه تأیید کننده یافته‌های حاصل از پژوهش‌های متعددی هم‌چون لو ژین کوان (۲۰۰۸)، زارعی (۲۰۰۹)، محمدی نیکو و علی محمدی (۲۰۱۳)، و فراتحلیل اصغرزاده و شایگان (۲۰۱۶)، مبنی بر اثرگذاری اعتقادات مذهبی بر قانون‌گذاری در تحقیقاتی که بررسی کرده‌اند می‌باشد.

هم‌چنین، نظریه‌های فشار ساختاری یا اجتماعی، رفتارهای انحرافی را منتج از فشارهای اجتماعی می‌دانند که موجب کجروی افراد می‌شوند. نظریه فشار مرتن در مورد این بحث می‌کند که افراد ناموفق زمانی که با موفقیت نسبی اطرافیان خود مواجه می‌شوند، احساس ناامیدی در برابر موقعیت‌های خود می‌کنند. زمانی که این نابرابری افزایش پیدا می‌کند، این فشار نیز بیشتر می‌شود و ارتکاب کجروی‌ها و قانون‌گریزی‌ها افزایش می‌یابد. همان‌گونه که در این مقاله نیز ملاحظه گردید، افزایش احساس محرومیت نسبی همسو با افزایش قانون‌گریزی در میان دانشجویان بوده است که این یافته تأیید کننده یافته‌های پژوهش مختاری و همکاران (۲۰۱۱)، می‌باشد.

از دیگر یافته‌های جالب توجه در این مقاله، عدم ارتباط معنادار پایگاه طبقاتی دانشجویان با این مسئله اجتماعی است. در واقع می‌توان گفت قانون‌گریزی، دست کم در بین دانشجویان، توزیع طبقاتی ندارد. این یافته در تناقض با نظریه مرتن است که افراد طبقات پایین‌تر به علت دسترسی کمتری که به ابزارهای نهادی برای رسیدن به اهداف فرهنگی دارند، تمایل بیشتری نیز به قانون‌گریزی نشان می‌دهند. این یافته تأیید کننده یافته‌های پژوهش‌های حیدری و همکاران (۲۰۱۲)، و محمدی نیکو و علی محمدی (۲۰۱۳)، مبنی بر عدم وجود رابطه معنی‌دار بین قانون‌گریزی با میزان درآمد، نوع شغل و سطح تحصیلات می‌باشد. در واقع، می‌توان این یافته را در تناقض با تحلیل‌های طبقاتی از پدیده قانون‌گریزی دانست که خود نیازمند بررسی‌ها و مطالعات بیشتر است؛ چرا که برخی تحقیقات دیگر، مانند پژوهش کلانتری و همکاران (۲۰۰۵)، بیانگر وجود ارتباط معنی‌دار بین قانون‌گریزی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی بوده و نشان می‌دهند فقر اقتصادی هم‌چون فقر فرهنگی و فقر شهروندی بستر ساز قانون‌شکنی و قانون‌گریزی می‌باشد.

### پیشنادهای اجرایی

در این بخش به ارائه پیشنهادهای اجرایی و تحقیقاتی پرداخته می‌شود تا راهنمای سیاست‌گذاران، محققان و کارگزاران باشد:

- پیش از هر چیز باید توجه شود از آن جا که قانون‌گریزی بیشتر در بین گروه‌های سنی پایین‌تر و مقاطع تحصیلی پایین‌تر اتفاق می‌افتد، لازم است مداخلات سیاستی معطوف به گروه‌های سنی و مقاطع تحصیلی پایین‌تر باشد. این یافته به خودی خود جالب توجه است، چرا که نشان می‌دهد زیست دانشجویی بیشتر در دانشگاه‌ها، احتمالاً تمایلات قانون‌گریزانه را کاهش می‌دهد.

- همان گونه که اهمیت و اثرگذاری متغیر دین‌داری از یافته‌های مرتبط با آن بر آمد، افزایش پیوند دانشجویان با جامعه از طریق افزایش ساز و کارهای نظارت درونی هم چون تقویت باورهای اخلاقی به عنوان مشخصه‌ای از این متغیر، مشخصاً تأثیر پر رنگی در کاهش رفتارهای قانون‌گریزانه دارد و لازم است این مهم در فعالیت‌های فوق برنامه و کمپین‌های گوناگون در دانشگاه‌ها دنبال شود.

- احساس نابرابری و محرومیت نسبی موضوعی است که پرداختن به آن قطعاً به فراتر از حیطه دانشگاه و نظام آموزش عالی مرتبط می‌شود. بخش مهمی از این احساس نابرابری مرتبط با متغیرها و ناکامی‌های اقتصادی دانشجویان است که بعد از تحصیل به آن چه شایسته‌شان است در زمینه شغل و درآمد مناسب دست نمی‌یابند. لازم است نظام آموزش عالی در قالب اسناد همکاری‌های متعدد با بخش‌های صنعتی و تجاری جامعه، پیوند دانشجویان و متخصصان با نیازهای جامعه را افزایش دهد. هم‌چنین، کاهش ورودی تحصیلاتی که بازار کار مناسب ندارند و از سوی دیگر، افزایش ورودی رشته‌هایی که بازار کار مناسب‌تری دارند می‌تواند از جمله مداخلات هدف‌مند نظام آموزش عالی برای کاهش بلند مدت احساس محرومیت نسبی باشد. در هر صورت، احتمال موفقیت این مهم بدون یک برنامه چند بخشی و چند نهادی و با همکاری سازمان‌ها و نهادهای گوناگون اندک می‌باشد.

### تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسنده مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

## منابع

1. Aminbidokhti, A. & Nemati, M. & Zare, M. (2012). The Necessity of Establishing Institutional Research Unit in Iran Islamic Universities. *Management in the Islamic University*, 1 (1).
2. Asgharzade, S. & Shaygan, F. (2016). A Multifactorial Approach to Illegality. *Police Knowledge Journal*, 17 (69).
3. Ashayeri, T & Namiyan, F. (2020). Sociological Explanation of Law-breaking among Iranian Citizens: A Meta-Analysis Approach. *Majlis & Rahbord*, 26 (100).
4. Fakhraei, S. (2007). Studying The Extent Of Obeying The Law And Its Effective Factors In Tabriz. *Peyke noor Journal*, 5 (1).
5. Fallah Mohsenkhani, Z. & Javadi, M. (2014). Study of Demographic and Social Changes in Youth Population. *Iranian Journal of Official Statistics Studies*, 24 (2).
6. Ferdowsi, T. & Aghapour, M. (2012). Social and Cultural Harms of University Students (With a Focus on Female Students). *Woman In Culture And Art (Women's Research)*, 4 (3).
7. Ferrer, R. (2009). Breaking the Law. When Other Do European Economic. *Review*: 54, P.p: 163-180.
8. Gad, Barzilai. (2003). *Communities and Law, Politics and Cultures of Legal Identities*, the University of Michigan Press, Harvard University Press.
9. Giddens, Anthony. (2004). *Sociology*. Translated by Manouchehr Sabouri, first edition. Tehran: Ney Press.
10. Helali, F. & Khayati, F. (2012). Assessment Of The Vulnerability Of Tehran University Persons Emphasised AGIL Model. *Quarterly Of Order and Security Guards*, 5 (1 (17)).
11. Heydari, E. & Parsamehr, M. & Parsamehr, M. (2012). Investigating Sociological Factors Affecting Vandalism (Case study: Ahwaz's High-school Students). *Journal of Applied Sociology*, 23 (3).
12. Hezar Jaribi, J. & Safari Shali, R. (2009). Examining On Life Satisfaction And Its Position Of Sense Of Security. *Journal of Social Order (Entezam-e-Ejtemaei)*, 1 (3).
13. Horton, Paul. B & Hunt, Chester I. (1968). *Sociology and Society*. Published by McGraw- Hill Companies. 635 pages.
14. Huberts, L. & et al. (2006). Rule-making, rule-breaking? Law breaking by government in the Netherlands and the United Kingdom. *Crime Law Socio Change*. Vol. 46.
15. Kalantari, S. & Rabani, R. & Sedaghat, K. (2005). The Relation between Poverty and Illigality; Construction of Social Pathogens. *Social Welfare*, 5 (18).
16. Lou Xin, Q. (2008). On Law-abiding and Religion. *Journal of Guangxi Youth Leaders College*.
17. Majlis Research Center (2008). *A Review of Youth Status Assessment Indicators* (2). Tehran: Office of Cultural Studies, Parliamentary Research Center.
18. Mirzaei, E. & Ahmadi, Y. & Bokharaei, A. (2017). Law of escape and Social Ties: (Case Study: Ahwaz City). *Jame Pazhuhiy Farhangi*, 8 (3).
19. Moeedfar, Saeed. (2007). *University and the transformation of values*. Tehran: Institute of Culture, Art and Communication.
20. Mohammadi Nikoo, A. & Ali Mohammadi, G. (2013). A survey of the influential factors on lawlessness among citizens of Gorgan. *Golestan police science quarterly Journal*, 4 (14).
21. Mohseni, R. (2012). The Sociological Analysis of Violation of Law and Solutions for Legalism and Public Order. *Quarterly Of Order and Security Guards*, 5 (1 (17)).

22. Mokhtari, M. & Ghahremani, M. (2011). Social factors affecting the possibility of lawlessness in administrative relations (Case study: Citizens over 18 years of age in Shiraz). *Quarterly Journal of the Social-Cultural Strategy*, 1 (1).
23. National Center for Social Monitoring of the Social Council of the country (2015). the situation of social problems and issues in the whole country. Tehran: National Center for Social Monitoring of the Social Council of the country.
24. National Center for Social Monitoring of the Social Council of the country (2015). measuring the social capital of the country. Tehran: National Center for Social Monitoring of the Social Council of the country.
25. National Survey of Students' Attitudes and Behavior. (2015). Research Institute for Cultural and Social Studies, Ministry of Science, Research and Technology.
26. Office of National Plans of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (2002). Values and Attitudes of Iranians (First and Second Wave). Tehran: Office of National Plans of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
27. Pirahari Nir. (2020). Investigating the Relationship between Cultural and Social Factors with Unlawfulness in Semnan. *Journal of Social Order (Entezam-e-Ejtemaei)*, 12 (1).
28. Rafiei, H. & Madani-GHahfarokhi, S. & Vameghi, M. (2008). Priorities of Social Problems in Iran. *Iranian Journal of Sociology*, 9 (1, 2).
29. Rafiepour, Faramarz. (1999). From Disruption or Social Chaos, a research on the potential of disruption in Tehran. Tehran: Soroush.
30. Rezaei, M. & Ebadelahi, H. (2006). Indisciplinary Society Metaanalysis of Law Disobedience in Iran. *National Studies*, 7 (3 (27)).
31. Rezaei, M. (2005). The degree And Type of Factors Affecring Law Evasion. *Iranian Journal of Sociology (ISA)*, 6 (3).
32. Salehi, Mostafa (1999), Factors and Obstacles of Legalism. *Quarterly Journal of the General Culture Council of Islamic Guidance*, No. 2-21.
33. Sedigh Sarvestani, R. A. (2010). *Social Pathology (Sociology of Social Deviations)*, Tehran: Samat Publications.
34. Sedighian Bidgoli, Amene. (2018). Research project on social Problems of student life in Iran. Tehran: Institute of Social and cultural Studies, Ministry of Science, Research and Technology.
35. Soltani Bahram, S. & Rezaei, S. & Ghaderi, A. (2014). Investigating the Relationship between Illegalities. *East Police Azarbaijan science*, 4 (12).
36. Sotudeh, Hedayatollah. (2001). *Cultural Social Pathology of Women (Sociology of Deviance)*. Tehran: Avaye- No press.
37. The Office of Consultation and Health of the Organization of university student's affairs. (2015). Evaluation of the appearance of student's life. Tehran: The Office of Consultation and Health of the Organization of university student's affairs Of the Ministry of Science, Researches and Technology.
38. Thorbecke, E; Charumilind, Chutatong. (2002). Economic Inequality and Its Socioeconomic Impact; *World Development* Vol. 30, No. 9.
39. Vahedi, S. & Badri, R. & Mesrabadi, J. (2009). Analysis of Effective Factors on Legality (Case Study: Citizen's of West Azerbayejan Province). *Journal of Social Order (Entezam-e-Ejtemaei)*, 1 (2).
40. Wang Xiao show and Shang. (2010). An Analysis of Psychological Factors of Law-abiding Behavior. *Journal of Hubei University (Philosophy and Social Science)*.
41. WJP. (2016). Transparency International. from <http://www.transparency.org>

- 
42. Yousofi, Ali, & Akbari, Hossein. (2011). A sociological thinking about identifying and determining priority of social problems in Iran. *Social Problems of Iran (Journal of Kharazmi University)*, 2 (1).
  43. Zarei, Behzad. (2009). the role of socio-economic and cultural factors affecting lawlessness (Case study: Ilam urban society). Master Thesis in Sociology, Shahid Chamran University of Ahwaz.